

Legal Basis and Consequences of US Withdrawal from Arms Control Regimes

Abstract

The aim of this study was to explain the legal basis and consequences of the US withdrawal from arms control regimes in a descriptive-analytical manner. The results show that arms control and disarmament, both in terms of process and in terms of provisions and regulations, are important and effective tools in the security of countries, because on the one hand, it removes ambiguities in military behavior and foreign policy of the government. And increase stability, and on the other hand, membership in this type of treaty has certain security consequences, such as the Nuclear Non-Proliferation Treaty, which limits the sovereignty of nations. And with the withdrawal of the United States from this treaty, a dark future will overshadow international peace; The abolition of the Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT) could be seen as the death of a 30-year agreement between the United States and Russia. For example, in the structural, multilateral and bilateral dimensions, it affects the international and regional relations of the great powers.

Keywords: Legal Basis, Consequences, US Withdrawal, Regime, Arms Control

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.299494.2125>

مبانی حقوقی و پیامدهای خروج آمریکا از رژیم های کنترل تسلیحات

سید محمود منصوری نسب^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱

ابومحمد عسگرخانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

سهراب صلاحی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی حقوقی و پیامدهای خروج آمریکا از رژیم های کنترل تسلیحات به روش تفسیری - کیفی به انجام رسید. نتایج نشان می‌دهد: کنترل تسلیحات و خلع سلاح چه از نظر روند و چه از نظر مفاد و مقررات، ابزارهای پر اهمیت و تاثیر گذار در امنیت کشورها به شمار می‌آیند، زیرا از یک سو موجب رفع ابهامات در رفتارهای نظامی و سیاست خارجی دولت می‌شوند و ثبات را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر عضویت در این نوع از معاهدات پیامدهای امنیتی خاصی را به دنبال دارند، همچون معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که باعث تحدید حاکمیت کشورها می‌شود. و با خروج آمریکا از این پیمان آینده‌ای تاریک بر صلح بین‌المللی سایه افکن خواهد شد؛ لغو پیمان‌نامه منع موشک‌های هسته‌ای میان برد را می‌توان مرگ توافقی ۳۰ ساله میان آمریکا و روسیه تلقی کرد، خروج آمریکا از آی‌ان‌اف می‌تواند زمینه‌ای برای طرح بسیاری از مسائل نظامی - امنیتی، سیاسی و اقتصادی باشد؛ برای مثال، در ابعاد ساختاری، چندجانبه و دوجانبه مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد. **واژگان کلیدی:** ، پیامد، خروج آمریکا، رژیم، کنترل تسلیحات، مبانی حقوقی.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
^۲ عضو هیأت علمی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، asgarkha@ut.ac.ir
^۳ استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، ایران،

خلع سلاح و کنترل تسلیحات^۱ از موضوعات نوپایی است که امروزه در جامعه بین‌الملل جایگاه مهمی یافته است و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. خلع سلاح و کنترل تسلیحات از این جهت مهم است که مستقیماً با مسأله جنگ و صلح و امنیت جهانی مرتبط است زیرا هدف آن استفاده از اقداماتی است که از طریق آنها بتوان خطر بروز جنگ را کاهش داد. در این زمینه مذاکرات زیادی صورت گرفته است؛ در اصل مذاکرات خلع سلاح و کنترل تسلیحات موضوعات مربوط به امنیت انسانی هستند.

برخی معتقدند که خلع سلاح عبارت است از تقلیل یا حذف بعضی از سلاح‌ها یا کلیه آنها جهت پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی با این باور که با امحاء یکی از جلوه‌های مبارزه قدرت در صحنه بین‌الملل می‌توان آثار نوعی این مبارزه یعنی هرج و مرج بین‌المللی و جنگ را نیز از بین برد. گروهی نیز معتقدند که خلع سلاح و کنترل تسلیحات عرصه مراودات اجباری بین خوش بینی و بد بینی، واقع گرایی^۲ و آرمان گرایی، ساده انگاری و پیچیدگی و جذب و سرخوردگی است که خود از خصایص تفکر در باب صلح در عصر اتمی است.

خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی همواره یکی از مهمترین مسائل مطرح در سطح نظام بین‌الملل و به خصوص در روابط روسیه و آمریکا بوده است، آمریکا که از هر ابزار ممکن برای متهم کردن روسیه به نابودی این معاهده کنترل تسلیحات استفاده نموده است؛ سالهاست تلاش کرده تا زمینه را برای این کار فراهم کند. جامعه جهانی به خاطر دارد که پیشتر از این معاهده به عنوان نمادی از مرحله پایانی جنگ سرد و گذار به روند خلع سلاح هسته‌ای واقعی یاد شده بود. در نتیجه کنار گذاشتن معاهده منع موشک‌های هسته‌ای میان برد از دید بسیاری، بازگشت به تقابل و رقابت تسلیحاتی مشابه دوران جنگ سرد خواهد بود. نظرات بر این اصل استوار است که خروج دونالد ترامپ از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد، می‌تواند پیامدهای فاجعه باری برای نظام امنیت و ثبات بین‌المللی به همراه داشته باشد و شرایط وخیمی ایجاد کند که در آن تهدیدهایی که متوجه صلح و ثبات جهانی است.

حال علاوه بر این مسأله می‌توان از نگاهی دیگر گفت اگر هم پیمانان این معاهده که برجسته ترین آنها روسیه است و به مفاد این معاهده پایبند نباشند (به زعم آمریکا چنین است) آیا همین مسأله سبب تهدید امنیت و ثبات بین‌المللی نخواهد بود؟ آیا می‌توان اذعان داشت با خروج آمریکا از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان برد و کوتاه برد، جلوی حرکات نظامی بسیاری از دولت‌ها علیه کشورهای همسایه یا دورتر که پیامدی جز جنگ و خونریزی و شاید کشتاندن جهان به سمت جنگ جهانی سوم گرفته نخواهد شد؟ در واقع آیا می‌توان گفت خروج آمریکا از رژیم های کنترل تسلیحاتی راهی برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد؟ خروج آمریکا از این معاهده چه منافعی برای این کشور دارد؟ و چه پیامدهایی در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کند؟ مسئله صلح و امنیت جهانی و رابطه نزدیک آن با کنترل تسلیحات و خلع سلاح نظامی که از زمان تأسیس جامعه ملل و سازمان ملل (۱۹۴۵) بدان پرداخته شد، از جمله مسائلی است که راه‌حل‌های اساسی و قراردادی آن (ماده ۸ میثاق جامعه ملل و ماده ۲۶ منشور ملل متحد) همواره دستخوش ساختار و ماهیت روابط میان قدرت‌های بزرگ و سلاح‌های خطرناکی بوده که آنها به دلیل رشد شگرف علوم و فنون بدان دست یافته و صلح و امنیت جهان را به مخاطره افکنده‌اند.

قادری (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «کنترل تسلیحات و خلع سلاح از منظر داخلی و بین‌المللی»؛ سلطانی و شهبازی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «تاثیر رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح بر امنیت ملی و توان بازدارندگی»؛ سلیمی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش اراده‌ی قدرت‌های بزرگ و تحول در تکنولوژی نظامی بر روند شکل‌گیری و تقویت رژیم بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات»؛ نعمتی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «روابط استراتژیک روسیه و آمریکا و مسأله کنترل تسلیحات هسته‌ای» و عسگرخانی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «سیری در نظریه‌پردازی بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات» به انجام رساندند. در بخش خارجی پیشینه هم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پیتز هیز^۳ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «ترامپ و هژمونی هسته‌ای آمریکا» آندری کورتونف^۴ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «خروج ایالات متحده از پیمان INF و پایان دوره دو جانبه جنگ ترکیبی: روسیه در مقابل غرب»؛ پاول پادوینگ^۵ (۲۰۱۸) مقاله‌ای با عنوان «مدرن‌سازی هسته‌ای روسیه و کنترل سلاح‌های هسته‌ای»؛ مایکل همیل‌گرین^۶ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «پیمان منع مواد هسته‌ای و خلع سلاح در سال ۲۰۱۸، انجمن: ارزیابی تاثیر اولیه»؛ سیمون و کووالا^۷ (۲۰۱۷) اثری با عنوان «کنترل اسلحه در اروپا: رژیم‌ها، روند و تهدیدات»؛ امی فول و همکاران^۸ (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «کنترل اسلحه و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای: کاتالوگ قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها» را مورد بررسی قرار داده‌اند.

(۲) تاریخچه‌ی کنترل تسلیحات

پیشینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در دوران پس از جنگ سرد بسیار مغشوش و پیچیده است؛ گرچه هدف مستقیم فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات کاهش و تحدید ذخایر موجود و خودداری از توسعه و گسترش سلاح‌ها در آینده و نهایتاً امحا و انهدام تسلیحات تولید شده است (بلوجی، ۱۳۸۲: ۱۴۸). لیکن این خود از یک هدف غیر مستقیم ولی بنیادین و اصلی نشأت می‌گیرد که می‌توان آن را هدف یا علل الخلع سلاح دانست و آن چیزی نیست جز «امحای جنگ» و تعمیم وضعیت صلح در سراسر جهان و برای همه‌ی زمان‌ها.

در مورد منطوق کنترل تسلیحات باید گفت که «خارج از کنترل» بودن به مثابه این بود که سرنوشت انسان از دست انسان خارج شود و تصمیمات بشری در آن دخیل نباشد. از این رو کنترل تسلیحات هیچ‌گونه پیامی مبنی بر اینکه انسان از خطرات جنگ افزارها مصون خواهد بود، نداشت (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۴۳).

نظام کنترل تسلیحات گرچه در مباحث حقوقی و در نهادهای بین‌المللی (اعم از منطقه‌ای و جهانشمول) استقراری مسلم یافته است، با این حال نهادی عاری از انتقاد نیست، در کنار مخالفت‌های طرفداران نظامی‌گری و گسترش تسلیحات، اغلب حقوقدانان ضمن قبول وضعیت‌های موجود و محاسن نظام کنترل تسلیحات برای جهانی عاری از سلاح و جنگ و خشونت، از محتوای معاهدات منعقد شده در چارچوب این نظام و رویکردهای آنها (به ویژه نحوه عمل دولت‌ها در ایفای تعهدات کنترل تسلیحاتی خود) بسیار نگرانند و آنها را گام‌هایی به عقب و موجد افزایش موارد تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی پایدار می‌دانند (الیزابت یانگ^۹، ۱۹۷۲: ۱۷).

در میان دو جنگ جهانی اول و دوم نیز تلاش های بسیاری در زمینه خلع سلاح صورت گرفت اما آنچه از مطالعه تاریخ و افزایش تحولات در امر تکنولوژی ها و تجهیزات جنگی مشاهده می شود نشان از آن دارد که گذشت زمان نه تنها نتوانسته است کمکی به امر خلع سلاح کند بلکه به افزایش کمی و کیفی تسلیحات نیز منجر شده است. اوج این تحولات بعد از جنگ جهانی با اختراع بمب اتم خود را نشان داد. تسلیحات هسته‌ای و توان تخریبی بسیار زیاد آن در دوران جنگ سرد جامعه جهانی مخصوصاً آمریکا و شوروی را بر آن داشت که خلع سلاح را با عبارت و مفهوم جدید تر و کامل تر با عنوان کنترل تسلیحات پیگیری کنند.

۳ جایگاه کنترل تسلیحات در تئوری‌های روابط بین‌الملل

رهیافت خلع سلاح بر این باور است که با از بین بردن تسلیحات، صلح به عرصه زندگی انسان‌ها قدم خواهد گذاشت و مصائب ناشی از جنگ در جامعه جهانی از میان رفته و یا لاقلاً در حد زیادی تخفیف خواهد یافت. در مقابل این رهیافت، عده‌ای دیگر معتقدند که تسلیحات مطمئن‌ترین ابزار تامین امنیت ملی در این دنیای پرمخاطره می باشد. نظریات و تئوری‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد؛ حقوق گرایان، نظم موجود در روابط بین‌الملل را از دیدگاه حقوق و تکالیف دولت‌ها ملاحظه می‌کنند. آرمان‌گرایان روابط مودت‌آمیز بین‌المللی را به اصول اخلاقی نسبت می‌دهند و واقع‌گرایان نیز قدرت و توازن قوا را عامل اصلی حفظ صلح می‌دانند.

از دیدگاه واقع‌گرایان سیاسی دولت‌ها به این دلیل مسلح می‌شوند که از خود در مقابل سایر دولت‌ها دفاع کنند و یا واقع‌گرایی سایر دولت‌ها را مورد حمله قرار دهند. همه دولت‌هایی که فعالیت‌های سیاسی چشم‌گیری دارند، بنا به تعریف درگیر رقابتی برای قدرت هستند که تسلیحات عنصر اجتناب‌ناپذیر آن است. بدین ترتیب هدف همه دولت‌های فعال در عرصه سیاسی باید آن باشد که حتی‌المقدور قدرت بیشتری کسب کنند (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۱۴) به عبارت دیگر در کنار سایر مسائل باید حتی‌الامکان به سلاح بیشتر و بهتری مجهز شوند.

طرفداران کنترل تسلیحات بر این باورند که تمامی آنچه می‌توان انجام داد کاستن درگیری‌ها و اثرات نامطلوب آن و همکاری برای تحولات صلح‌آمیز است طرفداران کنترل تسلیحات نظیر شلینگ و هالپرین^{۱۰} (۱۹۶۱) معتقدند که تعدیل امور نظامی و دکترین‌ها می‌تواند دارای منافع باشد، این امر در شرایطی صورت می‌پذیرد که هر دو طرف خواهان کاهش خطر جنگ و یا خشونت و یا خواهان امنیت برای کشور خود باشد؛ تاکید کنترل تسلیحات و محدودیت آن باعث شد تا نظریه پردازان، خطی را میان کنترل تسلیحات ساختاری و عملیاتی ترسیم کنند. کنترل تسلیحات ساختاری اغلب به دلیل پرداختن به کمیت و کیفیت جنگ افزارها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ هدف کنترل تسلیحات ساختاری دستیابی به توازن و ثبات در موازنه تسلیحاتی میان دولت‌های متخاصم است نظیر پیمان‌های سالت^{۱۱} یا استارت^{۱۲}، (رز گوتمالر^{۱۳}، ۲۰۱۰) اما بر خلاف کنترل تسلیحات ساختاری که کنترل تسلیحات عملیاتی رفتار نیروهای نظامی را در بر گرفته و مانع از اقدام نظامی و به کارگیری نیروهایی که می‌تواند باعث افزایش احتمال جنگ شود، می‌گردد. معیارهای کنترل تسلیحات عمدتاً برای اصلاح و بهبود و بحران‌ها در زمانی است که رخ می‌دهند، نظیر توافق بر سر ایجاد خط ارتباطی میان رئیس‌جمهور آمریکا و شوروی در سال ۱۹۶۳ (عسگرخانی، ۱۳۷۷).

برای هدلی بال^{۱۴} کنترل تسلیحات به معنای محدود کردن اقدامات بین المللی است آنچه که در نظر بال مهم است این نکته است که، بال معتقد است کنترل تسلیحات تنها در میان دولت‌ها صورت گرفته و اعمال محدودیت را بر دولت‌ها صورت می‌دهد موافقتنامه دیتون در ۱۹۵۵ که با هدف قاعده‌مند کردن تسلیحات در بوسنی صورت گرفت یک موافقتنامه بین المللی بود زیرا دولت‌های متعددی در آن شرکت داشتند اما در عوض موافقت نامه جمعه پاک یا خوب در ایرلند یک موافقتنامه کاهش برخوردهای مسلحانه داخلی بود بنابراین کنترل تسلیحات و خلع سلاح می‌تواند هم میان دولت‌ها باشد و هم در درون آنها.

موضوع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به طور جدی در مناظره بین کنت والتز^{۱۵} و اسکات سیگن^{۱۶} (۱۹۹۵) و تحلیل‌های متعاقب بردلی^{۱۷} که ته یرتیون لی و آیک ژان^{۱۸} دنبال شده است. والتز به بازدارندگی هسته‌ای معتقد است و می‌گوید اشاعه تدریجی سلاح‌های هسته‌ای بر صلح و امنیت بین‌المللی اثر مثبت دارد البته والتز ادعا نمی‌کند که سلاح‌های هسته‌ای به کار نخواهد رفت ولی هسته‌اصلی استدلال وی در این است که تحصیل اتم از سوی کشورهای کوچک دنیا را ویران نمی‌کند برای والتز خطر از ناحیه کشورهای کوچک نیست بلکه این قدرت‌های بزرگ و هسته‌ای دیرین هستند که نظام بین الملل را تهدید می‌کنند ولی در مورد اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نیز معتقد است که کشورهای کوچک باید به تدریج سلاح‌های هسته‌ای را بدست آورند نه با شیب تند. بردلی با والتز موافق است و پس از طرح سوالات مربوط به اشاعه این سلاحها و ارائه سه سطح می‌گوید سلاح‌های هسته‌ای هزینه‌های جنگ را بالا می‌برند و بنابراین احتمال بروز آن کاهش می‌یابد در مقابل سیگن بر این است که اشاعه سلاح‌های هسته‌ای دنیا برای ثبات خواهد کرد ولی^۳ شرط برای خط مشی هسته‌ای قایل می‌شود و معتقد است چون این اندیشه ۳ شرط کشورهای دارنده جدید سلاح‌های هسته‌ای اجابت نمی‌شود سپس حیات در جهان در معرض خطر خواهد بود ان سه شرط عبارتند از:

۱- باید ریسک کمی برای جنک‌های پیش‌گیرنده از ناحیه کشورهای دارنده سلاح علیه کشور متخاصم در حال تولید سلاح باشد.

۲- کشورهای متخاصم در حال تولید سلاح به سرعت به توان تخریب تضمینی خواهند رسید یعنی در ضربه دوم قادر خواهند بود لطمات غیر قابل قبولی را به دشمن وارد سازند.

۳- باید خطر استفاده ناروا غیر مجاز و تصادفی کم باشد چون سه شرط فوق عملی نیست پس جهان امنیت نخواهد داشت. سیتون لی^{۱۹} به تناقض‌های موجود در دکترین بازدارندگی اشاره و از سیگن حمایت می‌کند آیک ژان نیز باسیگن موافق است و نظریه بازدارندگی را ناقض می‌داند و سه علت را برای آن ارائه می‌دهد نخست این که این نظریه بر اساس مدل بازیگر عقلانی و با انتخاب خردمندانه و عقلانی صورت می‌گیرد که در آن نظریه بازیها مورد استناد است دوم اینکه مطابق این نظریه اقدام به موجب یک تصمیم قاطعانه از ناحیه رئیس جمهوری صورت می‌گیرد سوم این که تصمیم‌گیری صحیحی را پیش فرض خود قرار می‌دهد (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۳۸).

۴) تلاش‌های جهانی جهت کنترل تسلیحات و خلع سلاح

با در نظر گرفتن پیشرفت‌های کیفی و کمی تسلیحات، موارد زیر قابل ذکر می‌باشد:

۱. تسلیحات هسته‌ای: تاکنون بیش تر تلاش های انجام شده در باره کنترل تسلیحات هسته‌ای تنها به تعداد محدود دولت های دارای توانایی هسته‌ای نظامی، معطوف شده است. دو کنوانسیون جهان شمول این هدف را دنبال کرده اند: الف) معاهده مسکو (۱۹۶۳) که برای دولت های متعاهد، آزمایش های هسته‌ای را در فضای فراسوی جو و زیرآب یا در هر مکان دیگر، اگر باعث ریزش ضایعات رادیواکتیو در خارج و درون سرزمین های تحت صلاحیت قضایی و یا سرزمین های تحت کنترل آنها شده باشد، ممنوع می کند. امضا کنندگان این معاهده، انعقاد یک موافقت نامه چندجانبه درباره ممنوعیت کامل آزمایش های هسته‌ای و از جمله زیرزمینی را به عنوان یک هدف اضطراری اعلام کردند.

ب) معاهده عدم گسترش سلاح های هسته‌ای، معروف به (N.P.T) (1968)؛ مطابق این معاهده، دولت های دارای سلاح هسته‌ای متعهد می شوند سلاح و دیگر امکانات هسته‌ای را به دولت های فاقد آن انتقال ندهند و در جهت کسب آن نیز، به آنان کمک ننمایند. دولت های فاقد این سلاح هم، به نوبه خود از دست یابی به آن خودداری کرده و نظام نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرند. در مقابل، دولت های دارای سلاح هسته‌ای تعهد می کنند تجهیزات لازم و داده های علمی و فنی را، به منظور استفاده مسالمت آمیز انرژی اتمی، برای دولت های فاقد سلاح هسته‌ای فراهم آورند. اما این تعهدات نتایج مورد انتظار را نداشته و دولت های فاقد این سلاح در نخستین کنفرانس بررسی معاهده مذکور (۱۹۷۵)، علیه کند عمل کردن دولت های هسته‌ای در انجام تعهدهای خود در این زمینه، اعتراض نموده اند. شاید نگرانی دولت های دارای سلاح هسته‌ای از خطرات انتقال تکنولوژی اتمی، یکی از دلایل این کندی بوده است.

از جانب دیگر، دولت های فاقد این سلاح در جهت دست یابی به نتایج موافقت نامه های مؤثر بین‌المللی که تضمین کننده استفاده از سلاح هسته‌ای است، تلاش زیادی می ورزند. این موضوع به تضمین های منفی معروف است که از سال ۱۹۷۹ و از کنفرانس خلع سلاح، در قلب مذاکرات جای داشته، ولی با وجود قطع نامه های متعدد مجمع عمومی در این مورد، نتیجه مثبتی از آن گرفته نشده است. یکی از ضعف های N.P.T آن است که نسبت به الزام دولت هایی که آن را تصویب نمی کنند، اقدام نمی کند. چندین دولت دارنده سلاح هسته‌ای (فرانسه، چین و احتمالاً هند) و نیز دولت های متعددی که دانش لازم جهت دست یابی سریع به این سلاح را دارند، مثل آفریقای جنوبی، آرژانتین، برزیل، کره، مصر، اسپانیا، اسرائیل و پاکستان، مدت طولانی از پیوستن به معاهده N.P.T خودداری کردند و برخی هم چنان خودداری می کنند، اگر چه گاهی عنوان کرده اند که مفاد آن معاهده را قبول دارند (بلوچی، ۱۳۸۲: ۱۴۷).

۲. تسلیحات غیرهسته‌ای: تا این اواخر تنها زمینه ای که در آن، یک اقدام واقعی خلع سلاح انجام گرفته بود، مربوط به سلاح های بیولوژیک و باکتریولوژیک بود که تحت مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، استفاده از آنها ممنوع است و از آن پروتکل نیز، تنها یک سند مقررات جنگ غیرهسته‌ای، تنظیم شده است، ولی کنوانسیون ۱۹۷۲، از یک طرف، توسعه، ساخت و ذخیره سلاح مذکور را ممنوع می کند و از طرف دیگر، تخریب ذخایر موجود را خواستار می شود. البته با نبود یک نظام کنترل قابل اعتماد، چندان قابل اطمینان نیست. کنوانسیون ۱۹۸۱ نیویورک را نیز تنها می توان، به عنوان پیشرفتی در حقوق بشر دوستانه جنگ و نه یک اقدام خلع سلاح بیولوژیک، محسوب کرد.

اما در مورد مهم ترین اقدام های خلع سلاح در گستره جهانی باید از کنوانسیون ممنوعیت سلاح های شیمیایی نام برد که پس از مدت ها، در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس خلع سلاح در ژنو تصویب شد، و در اجلاس پاریس (۱۹۹۳) به امضای کشورهای مختلف رسید. از ویژگی های این کنوانسیون که در زمینه خلع سلاح، کنوانسیون نمونه قلمداد می شود، بازرسی اتهامی است که هر دولت متعاقد می تواند به آن متوسل شود. به عبارت دیگر، صرف اتهام دولتی به دولت متعاقد دیگر، مبنی بر اقدام به ساخت سلاح شیمیایی، موجب بازرسی فوری در محل خواهد شد. (ب) هم چنین، در این زمینه باید از معاهده منع جامع آزمایش های هسته ای C.T.B.T (۱۹۹۶) که برای الحاق همه دولت ها تأسیس شده است، نام برد (شهبان، ۱۳۷۸: ۲۶۱).

۳. نظامی زدایی و هسته ای زدایی: نظامی زدایی تکنیکی است که طرد هر نوع فعالیت نظامی را در یک محل یا یک منطقه معین، مورد توجه قرار می دهد. هسته ای زدایی نیز، در معنای محدود، به تخلیه سلاح های هسته ای از یک سرزمین یا از یک فضای معین، اطلاق می شود. بدیهی است فن آوری نظامی زدایی، هسته ای زدایی را هم در بردارد، زیرا عمل ساده انبارسازی سلاح می تواند به عنوان یک فعالیت نظامی مورد توجه قرار گیرد.

۵) خروج آمریکا از پیمان کنترل تسلیحات

پیمان منع موشک های هسته ای میان برد بین «میخائیل گورباچف» آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی و «رونالد ریگان» رئیس جمهوری وقت آمریکا در سال ۱۹۸۷ به امضا رسید. براساس این پیمان توسعه و کاربرد تمام موشک های هسته ای و غیرهسته ای کوتاه و میان برد به استثنای موشک های دریایی منع می شوند. اما در این سال ها روسیه و آمریکا یکدیگر را بارها به عدم پایبندی به این معاهده متهم کرده اند و هر کدام رویکرد خاص خود و متفاوت از یکدیگر را در قبال این معاهده در پیش گرفته اند.

آمریکا ارزش این معاهده را زیر سوال نبرده اما در عین حال این معاهده را اولویت نمی داند. از دیدگاه واشنگتن، اهمیت بیشتر این معاهده در تأمین امنیت هم پیمانان اروپایی و آسیایی اش است تا خود آمریکا. روسیه نیز پیشتر بارها در مورد ارزش این معاهده شک و تردیدهایی را مطرح کرده بود. در ارزیابی سیاست خارجی سال ۲۰۱۶ روسیه، حتی به این معاهده در لیست توافق نامه های کنترل تسلیحات بین المللی این کشور اشاره ای نداشت.

دولت ترامپ نه تنها در کنار کنگره که روسیه را به نقض این معاهده متهم کرده ایستاده، بلکه بودجه ای برای تحقیقات در مورد توسعه موشک های میان برد را به اولین بودجه دفاعی ارائه شده خود اضافه کرد و اخیراً نیز از قصدش برای خروج از این معاهده و اعمال تحریم های جدید علیه روسیه خبر داد.

سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه و در ارتباط با موضوع خلع سلاح، محروم کردن کشورهای اسلامی و عربی از تکنولوژی و بهره مندی از انرژی هسته ای است. آمریکا سعی می کند انحصار هسته ای در منطقه خاورمیانه در دست اسرائیل باقی بماند، زیرا تضمین امنیت تل آویو بخش مهمی از سیاست خارجی خاورمیانه ای کاخ سفید را تشکیل می دهد و حضور قوی صهیونیست ها در کنگره و کاخ سفید، این سیاست را به دستگاه دیپلماسی و نظامی آمریکا تحمیل کرده است. از این رو، یکی از اهداف آمریکا از حذف معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات از حوزه حقوق

بین‌الملل، این است که رژیم صهیونیستی را از لیست بازرسی تأسیسات اتمی از سوی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خارج سازد و مانع نظارت این آژانس بر تأسیسات هسته‌ای اسرائیل شود.

دونالد ترامپ در روز ۲۰ اکتبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که کشورش قصد دارد از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد (آی‌ان‌اف) خارج شود؛ وی در عین حال روسیه را متهم کرد ابتدا این معاهده را نقض کرده و باید مسئولیت پایان آن را بپذیرد. تهدید خروج آمریکا از این پیمان با واکنش شدید بسیاری از مقامات اروپایی و روس مواجه شد و بسیاری از کارشناسان از احتمال بروز جنگ سرد جدید خبر دادند. در این بین، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، واکنش کشورش به اقدام آمریکا را فوری و متقابل اعلام کرد. وزارت خارجه روسیه نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که آمریکا با این تصمیم، رؤیای جهان تک‌قطبی را در سر می‌پروراند. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، نیز این تصمیم واشینگتن را در راستای سیاست خروج از معاهدات بین‌المللی آمریکا که در آنها تعهدات برابر با دیگر شرکاء وجود دارد و به مفهوم استثناگرایی آسیب می‌رساند دانست و اعلام کرد که واشینگتن چون «آی‌ان‌اف» را مشکلی در جریان تسلط کامل در حوزه نظامی می‌بیند، درصدد فروپاشی آن است. روسیه در ادامه، از آمادگی خود برای مذاکره با آمریکا در این رابطه خبر داد.

باین‌حال، آندره تامسون، معاون وزیر خارجه آمریکا، در کنترل تسلیحات و امنیت بین‌الملل، در روز ۱۶ ژانویه ۲۰۱۹ اعلام کرد که این کشور از ۲ فوریه ۲۰۱۹ (۱۳ بهمن ۱۳۹۷) خروج از این پیمان را آغاز خواهد کرد. شاید موارد متعدد خروج یکجانبه ایالات متحده تحت زعامت ترامپ از معاهدات بین‌المللی، از برجام گرفته تا میثاق تغییرات اقلیمی پاریس، رویه جدید واشینگتن را برای ناظران جا انداخته باشد.

بسیاری از متخصصان آمریکایی اعتقاد دارند که آمریکا با خروج از این معاهده خود را از محدودیت‌ها برای استقرار موشک‌های میان‌برد زمین‌پایه رها کرده است و می‌تواند به توسعه موشک‌های بالستیک جدید با بردهای بیشتر اقدام کند. به باور آنها، این اقدام آمریکا واکنشی به بحث‌نوسازی نیروهای نظامی روسیه و تولید تسلیحات پیشرفته و فوق‌مدرن توسط این کشور است؛ به‌خصوص با رونمایی از تسلیحات پیشرفته و پیچیده روسیه توسط پوتین در سال گذشته که به هراس آمریکا از تغییر موازنه دامن زده است.

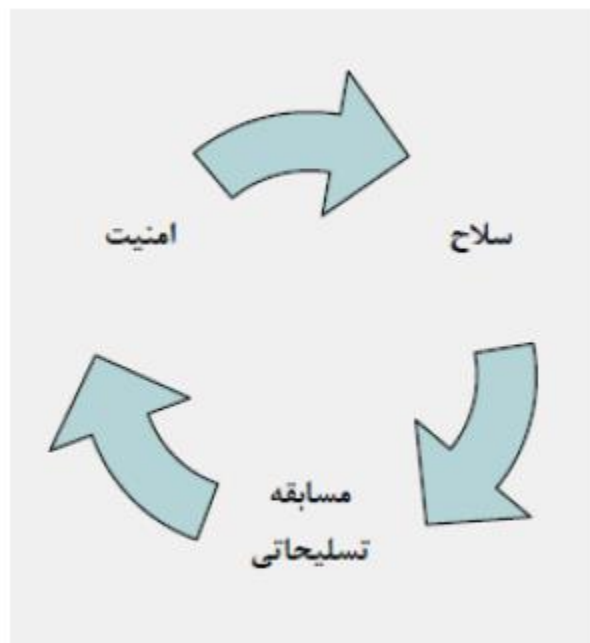
اما در مقابل، گروه دیگری بر این نظرند که خروج آمریکا از این معاهده بیشتر به ضرر منافع آمریکا و متحدانش است؛ زیرا آمریکا هنوز برای استقرار موشک‌های میان‌برد زمین‌پایه به اجماع نرسیده و برنامه‌ای برای توسعه چنین موشک‌هایی را طراحی نکرده است؛ ضمن اینکه خود روسیه در دهه اخیر از محدودیت‌های ناشی از این معاهده ناراضی است. ارتش و نیروهای نظامی روسیه علاقه‌مند به ارتقاء توان موشکی خود هستند. بنابه نظر برخی تحلیل‌گران، روسیه در حال پیگیری شماری از برنامه‌ها از جمله پروژه‌های متمرکز بر موشک‌های کروز دوربرد بدون توجه به محدودیت‌های تحمیلی از سوی «آی‌ان‌اف» است. برخی دیگر بر اظهارات مقامات روس در زمینه تهدیدات فزاینده علیه امنیت روسیه از طریق کشورهای پیرامون روسیه، که دارای موشک‌های بالستیک میان‌برد هستند تأکید دارند.

متخصصانی نیز خروج آمریکا از این معاهده را باعث آسیب به انسجام در ناتو می‌دانند. اگرچه کشورهای عضو ناتو ارزیابی آمریکا از تخطی روسیه از این پیمان را پذیرفته‌اند، بسیاری از آنها به حمایت خود از این پیمان ادامه داده‌اند و

باور دارند که ادامه آن به نفع منافع امنیتی اروپاست؛ ضمن اینکه به باور آنها، حتی اگر آمریکا موشک‌های زمین‌پایه جدیدی را توسعه دهد، ممکن است این کشورها تمایلی به استقرار آنها در خاک خود نداشته باشند. منازعات بر سر استقرار موشک‌های میان‌برد در دهه ۱۹۸۰ چالش برای ناتو بود که امروز نیز چنین چالشی می‌تواند ایجاد شود.

۶) پیامدهای خروج آمریکا از رژیم‌های کنترل تسلیحات

خروج آمریکا از این معاهده علاوه بر آسیب مستقیم به امنیت روسیه، خطر واکنش‌هایی را به همراه دارد که می‌تواند منجر به فروپاشی کامل ساختار کنترل تسلیحاتی میان آمریکا- روسیه شود. در صورت خروج آمریکا از این معاهده، باید انتظار داشت که معاهده استارت، ان پی تی و معاهده جامع منع آزمایش هسته‌ای نیز به زبانه دان تاریخ بپیوندند. به این دلیل که روسیه و آمریکا در سال‌های اخیر همکاری‌هایشان را در حفاظت از مواد و تکنولوژی‌های هسته‌ای قطع کردند، سلاح هسته‌ای دیر یا زود به دست تروریست‌ها خواهد رسید. روسیه به دلیل نقش پیش‌تاز در مقابله با تروریسم در سوریه، احتمالاً به یکی از اهداف اولیه تروریست‌ها در آینده تبدیل خواهد شد.



شکل (۱): چرخه تسلیحات در نظام بین‌الملل

اگرچه پیشتر در روسیه بارها از معاهده منع موشک‌های هسته‌ای میان برد انتقاد شده بود اما این معاهده طی بیش از ۳۰ سال گذشته برای روس‌ها مهم بوده است. در پاسخ به استقرار سیستم‌های تسلیحاتی منع شده تحت این معاهده توسط مسکو، آمریکا نیز روند استقرار قوای موشک‌های میان برد خود را نه در غرب اروپا بلکه در لهستان، کشورهای حوزه بالتیک و رومانی از سر خواهد گرفت.

برخی کارشناسان براین باورند که از بین رفتن این پیمان باعث تضعیف توافقی‌های کنترل تسلیحات در سراسر جهان شده و نظام بین‌المللی را که برای پیشگیری از اشاعه ۲۰ تسلیحات هسته‌ای به وجود آمده، از بین می‌برد. خروج آمریکا از پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد خطر جنگ اتمی را به همراه دارد.

سرنگی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه در واکنش به سخنان ترامپ تاکید کرد که اگر آمریکا به صورت یکجانبه از این پیمان خارج شود، روسیه نیز مقابله به مثل خواهد کرد و دست به اقدامات متقابل می‌زند. رویکردی که یادآور نظریه صلح مسلح و گفته کنت والتز از پیشگامان دفاع از گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که آن را زمینه ساز صلح و جلوگیری از وقوع جنگ‌های بزرگ میان قدرت‌های بزرگ می‌داند؛ چرا که به اعتقاد وی، سلاح‌های هسته‌ای باعث ایجاد چنان ترسی از پیامدهای کاربرد آن در میان کشورها خواهد شد که بازیگران اصلی جهان را از توسل به این نوع تسلیحات باز می‌دارد.

خروج آمریکا از این معاهده علاوه بر آسیب مستقیم به امنیت روسیه، خطر واکنش‌هایی را به همراه دارد که می‌تواند منجر به فروپاشی کامل ساختار کنترل تسلیحاتی میان آمریکا-روسیه شود. در صورت خروج آمریکا از این معاهده، باید انتظار داشت که معاهده استارت، ان پی تی و معاهده جامع منع آزمایش هسته‌ای نیز به زباله‌دان تاریخ بپیوندند.

همان‌طور که گفته شد، خروج آمریکا از معاهده «آی‌ان‌اف» می‌تواند عواقب و پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت بین‌المللی داشته باشد: اولاً هر دو کشور (آمریکا و احتمالاً روسیه) از محدودیت‌های توسعه و استقرار موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد رها می‌شوند. و این مساله بر هر دو منطقه تأثیرات زیادی می‌گذارد؛ همچنین اروپا و آسیای شرقی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پیامدهای خروج آمریکا بر اروپا: خروج آمریکا از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد، موج بزرگی از بی‌ثباتی را در سطح جهان و به‌طور خاص، امنیت قاره اروپا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پی خروج آمریکا از این معاهده روس‌ها سیاست تهاجمی را در قبال کشورهای اروپایی اتخاذ خواهند کرد و این کشور سلاح‌های هسته‌ای به‌ویژه زیردریایی‌های هسته‌ای را با هدف تهدید محدوده سرزمینی آمریکا توسعه خواهد داد. این امر برای ناتو به این معناست که باید درباره استقرار این نوع تسلیحات در اروپا فکر کنند. این در حالی است که متحدان اروپا تمایلی به استقرار چنین تسلیحاتی ندارند؛ هر چند برخی کشورهای اروپایی مثل لهستان و کشورهای بالتیک به دلیل وجود تهدید از سوی روسیه تمایل به استقرار چنین تسلیحاتی دارند؛ بنابراین با فروپاشی این معاهده نوعی شکاف میان اعضای اتحادیه اروپا و امکان موضع‌گیری علیه تصمیم ترامپ بوجود خواهد آمد.

پیامدهای خروج آمریکا بر آسیای شرقی: فروپاشی این معاهده می‌تواند پیامدهایی را هم برای ثبات استراتژیک جهان و هم برای رژیم اشاعه هسته‌ای داشته باشد، به‌طوری‌که جهان شاهد مسابقه تسلیحاتی در سطح ابرقدرت‌ها خواهد بود که تأثیر دومینویی بر دیگر قدرت‌های بزرگ و مناطق جهان خواهد داشت. هم آمریکا و هم روسیه این معاهده را به‌عنوان محدودیت در توان خود برای مقابله با نیروهای موشکی روبه‌ظهور چین در آسیا - پاسیفیک می‌بینند. زمانی که این معاهده در سال ۱۹۸۷ منعقد شد، فقط آمریکا و روسیه دارای نیروهای هسته‌ای میان‌برد بودند؛ اما امروزه چین به همراه دیگر کشورها مثل ایران، کره شمالی و هند از دارندگان زرادخانه این‌گونه موشک‌ها محسوب می‌گردند.

پیامدها بر رژیم عدم اشاعه: در خصوص پیامدهای تصمیم ترامپ به خروج آمریکا از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد می‌توان در اولین گام، به تأثیر آن بر شکست نظام بازدارندگی هسته‌ای اشاره کرد. در صورت قطعی و نهایی شدن تصمیم ترامپ، این‌طور به نظر می‌رسد که پیمان ادامه کاهش تسلیحات راهبردی «استارت-۳» که اعتبار آن در سال

۲۰۲۱ به اتمام می‌رسد از میان خواهد رفت. همچنین تهدید جدید آمریکا علیه روسیه، به‌طور حتم واکنش شدید روس‌ها را به همراه خواهد داشت و مسکو نیز مسیر اعمال فشار و تهدید نظامی جدید را در مقابل کشورهای همجوار خود که پایگاه‌های نظامی آمریکا در آنها واقع شده است درپیش خواهد گرفت؛ در نتیجه، تهدیدات و ناامنی در سطح جهان و نگرانی‌های بین‌المللی از امکان وقوع رقابت تسلیحاتی بزرگ میان قدرت‌ها که برهم‌زننده ثبات و امنیت جهانی خواهد بود افزایش خواهد یافت.

تشدید مسابقه تسلیحاتی ناشی از فروپاشی معاهده «آی‌ان‌اف» در جهان می‌تواند پیامدهای جدی‌ای را برای رژیم شکننده عدم اشاعه هسته‌ای کنونی داشته باشد. اگرچه در سال ۲۰۱۸، اشارات مثبتی از سوی آمریکا و روسیه برای کاهش تسلیحات هسته‌ای و موشکی اعلام شد، این خوشحالی اندکی بیشتر دوام نداشت و با انتشار گزارش بررسی وضعیت هسته‌ای (NRP) سال ۲۰۱۸ آمریکا پایان یافت. آمریکا در این سند، به مدرنیزاسیون زرادخانه هسته‌ای و ارتقاء توان بازدارندگی هسته‌ای خود از طریق توسعه انواع جدید تسلیحات هسته‌ای متعهد شده است. این گزارش نشان‌دهنده برگشت سیاست آمریکا از پذیرش هرگونه تعهد قانونی به خلع سلاح هسته‌ای به‌عنوان یکی از اعضای امضاکننده ان‌پی‌تی است.

در این میان، آمریکا در روز ۱۷ ژانویه ۲۰۱۹ از جدیدترین سند بازنگری‌شده دفاع موشکی این کشور رونمایی کرد. این سند که نخستین نسخه بازنگری‌شده دفاع موشکی آمریکا از سال ۲۰۱۰ تاکنون است، بر گسترش تکنولوژی‌های جدید با هدف تضمین توان شناسایی و انهدام هر موشک پرتاب‌شده به سمت آمریکا از هر مکان و در هر زمان متمرکز شده و فضا را به‌عنوان عرصه‌ای جدید برای نبرد به رسمیت شناخته است. به دنبال انتشار این سند، بسیاری این سند آمریکا را مقابله‌جویانه، یادآور جنگ ستارگان در دهه ۱۹۸۰، باعث تشدید نگرانی‌های روسیه و چین نسبت به وجود تهدید علیه بازدارندگی هسته‌ای استراتژیک خود، باعث تضعیف ثبات استراتژیک، و تهدید فرایند کاهش تسلیحات هسته‌ای خوانده‌اند.

۷ نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین موضوعات استراتژیک در عرصه روابط بین‌المللی کشورها و حوزه‌ی امنیت بین‌الملل، موضوع کنترل تسلیحات و خلع سلاح می‌باشد. تصور رایج و ابتدایی بر این است که حذف ابزارهای درگیری و تعارض و یا کنترل آنها، می‌تواند سبب‌ساز حذف جنگ و برخورد بین کشورها و در نتیجه افزایش سطح همکاری و صلح پایدار گردد. این تصور یا فرض در قالب برخی از دیدگاه‌ها و نظریه‌های روابط بین‌الملل، مانند آرمان‌گرایی نیز خود را آشکار ساخته و در قالب ایجاد سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای و اقتدار بخشیدن به آنها و برتر ساختن آنها در روابط بین‌الملل و یا امضاء معاهدات متفاوت نمایان گردیده است. علاوه بر آن تلاش‌های متعددی را نیز در سطح بین‌المللی به دنبال داشته است. در عصر سلاح‌های هسته‌ای و زمانی که تکنولوژی‌های جدید سبب اختراع سلاحی شده است که بشر قادر به استفاده عقلانی از آن نیست، خلع سلاح و به‌طور کلی کنترل تسلیحات رهیافت‌های مستقیم به صلح و امنیت به نظر می‌رسند. اما توسعه تکنولوژی نظامی که سبب افزایش روزافزون سلاح‌های جدید می‌گردد، بعد تاریک طبیعت بشر که همواره خواهان بکارگیری این سلاح‌ها در جهت دستیابی به منافع می‌باشد، خلق رقابتهای دائمی و خطر ایجاد جهنم

کبری با بوجود آمدن جنگ هسته‌ای بر پیچیدگی خلع سلاح و کنترل تسلیحات در استراتژی معاصر افزوده است و خلع سلاح و کنترل تسلیحات را در طیفی بین خوش بینی و بد بینی، واقع گرایی و آرمان گرایی، ساده انگاری و پیچیدگی قرار داده است. لذا روشن است ماهیت روابط استراتژیک دو قدرت بزرگ یعنی روسیه و آمریکا در جهت کنترل تسلیحات هسته‌ای از اهمیت والایی برخوردار می باشد.

پیمان INF منع توسعه موشک‌های زمین‌پایه میان برد (MRBM) است. اما اختلافات به‌ویژه در سال ۲۰۱۷ زمانی که روسیه دو گردان از موشک‌های نسل جدید موسوم به M729 را در منطقه عملیاتی کاپوستین‌یار مستقر کرد شدت گرفت. عملیاتی شدن این موشک‌ها، اختلافات را برجسته‌تر کرد تا در نهایت به خروج آمریکا از این پیمان انجامید. در واقع اختلافات اینچنینی در پیمان‌های کنترل تسلیحاتی تقریباً امری طبیعی هستند و برای این موضوع کمیته‌های مشترک حل اختلاف پیش بینی شده است و این کمیته‌ها از سال‌ها قبل حل این موضوع را در دستور کار داشتند. اما رسانه‌ای شدن مسائل توسط آمریکا و سپس خروج از پیمان دلایل دیگری دارد.

واشنگتن کماکان قصد دارد تا نقش هژمون جهانی را ایفا کند و برای رسیدن به این هدف بر این تصور است که با خروج از پیمان‌های کنترل تسلیحات خواهد توانست بدون هیچ محدودیتی تسلیحات موشکی و هسته‌ای را توسعه داده و در نقاط مختلف مستقر کند.

با این حال با لغو پیمان‌های مهم کنترل تسلیحاتی جهان با چشم انداز تاریکی مواجه خواهد شد که در آن کشورهای بزرگ بدون هیچ محدودیتی به توسعه و استقرار انواع تسلیحات مخرب به ویژه موشک‌های هسته‌ای خواهند پرداخت و آینده ثبات و امنیت جهانی را در معرض مخاطره جدی قرار خواهند داد. در یک نتیجه گیری نهایی می توان پیامدهای خروج آمریکا از رژیم های کنترل تسلیحات را در بندهای زیر خلاصه نمود:

- ایجاد رقابت تسلیحاتی در سراسر اروپا
- شکست سیستم بازدارندگی هسته‌ای
- مواجه کردن چشم‌انداز موفقیت رژیم‌ها و توافقات حوزه‌ی خلع سلاح و کنترل تسلیحات با خطر
- علاوه بر اجازه دادن به روسیه برای تولید تعداد نامحدودی موشک‌های میان برد که به‌طور بالقوه با سلاح‌های هسته‌ای سازگاری دارند، می‌تواند انتقاداتی درباره از میان بردن این توافق و هرگونه آغاز رقابت تسلیحاتی را به سمت آمریکا معطوف کند.

- 1 . *Arms Control*
- 2 . *realism*
- 3 . *Peter Hayes*
- 4 . *Andrey Kortunov*
- 5 . *Pavel Podvig*
- 6 . *Michael Hamel-Green*
- 7 . *Tommi Koivula و Katariina Simonen*
- 8 . *Amy F. Woolf, Paul K. Kerr, Mary Beth D. Nikitin*
- 9 . *E. G. Elizabeth Young*
- 10 . *Shelling and Halperin*
- 11 . *Strategic Arm Limitation Talks*
- 12 . *Strategic Arm Reductions Treaty*
- 13 . *Rose Gottemoeller*
- 14 . *Hadley Ball*
- 15 . *Kenneth Waltz*
- 16 . *Scohan D.Sagan*
- 17 . *Bradley*
- 18 . *Ike Jean*
- 19 . *Siton Lee*
- 20 . *Non-proliferation Regimes*